

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جزوه آموزشی برگرفته از کتاب

تزیینت جنسی از منظر قرآن و روایات

تألیف: علی نقی فقهی

فصل اول و دوم

بخش اول - مبانی تربیت جنسی

فصل یکم: مفاهیم و کلیات

دیدگاه های غیر دینی ، درباره امور جنسی ، نظریه های متفاوتی ارائه کرده اند که مجال گسترده آنها نیست ؛ اما اسلام ، «تربیت جنسی» را به عنوان یکی از مسائل مهم زندگی، به شدت ، مورد اهتمام قرار داده است. آنچه از نظر اسلام ، بسیار اهمیت دارد، توسعه و تربیت انسان های مؤمن است. لذا اگر روابط جنسی میان اعضای جامعه، ناسالم ایجاد گردد ، به صورت مستقیم و غیر مستقیم ، به فرایند تربیت مؤمنان ، آسیب می رساند . در این نوشتار ، مسئله تربیت جنسی را از دیدگاه اسلام ، پی خواهیم گرفت. همان گونه که از نام این پژوهش پیداست، این بحث ، از دو بخش «جنسیت» و «تربیت» تشکیل شده است. پیش از هر چیز باید مفهوم این دو را شناخت و سپس به تبیین دیدگاه اسلام در باره آنها پرداخت.

۱. مفهوم جنسیت

انسان ها مانند بیشتر موجودات ، از دو جنس مخالف تشکیل شده اند. این دو جنس ، با تفاوت های آشکار در سطح مسائل زیستی، فیزیولوژیک و روان شناختی ، به وجود آمده اند و همین تفاوت هاست که آن دو را مکمل یکدیگر قرار می دهد و بدون شک ، هر کدام از آنها بدون دیگری ، در تداوم نسل و زندگی اجتماعی ، با شکست کامل ، روبه رو می شود.

زیست شناسان ، عقیده دارند که زن و مرد ، با یکدیگر ، تفاوت های بنیادی دارند؛ بدین معنا که تفاوت ها در درجه اول ، «ارثی» اند ، نه «محیطی». آنها معتقدند که هر سلول بدن زن ، با هر سلول بدن مرد ، تفاوت دارد و قبل از آن که به دنیا بیایند و تحت تأثیر نفوذهای اجتماعی قرار گیرند، کاملاً از یکدیگر تمایز پیدا می کنند و برای زن یا مرد شدن ، آماده می شوند. به قول استاد دکتر محمود بهزاد : «اگر اوضاع اجتماعی ، موجب تفاوت های زن و مرد می شود، فقط آنچنان را آنچنان تر می کند».

هورمون های جنسی متفاوتی در دختر و پسر وجود دارند (آندروژن در پسرها و استروژن در دخترها) که باعث ایجاد تفاوت های جنسیتی ، در دو جنس می شوند.^۲ فعالیت هورمون های جنسی، در زمان بلوغ افراد ، تشدید می شود و ویژگی های جنسی ثانویه را در زن و مرد ایجاد می کند . به این ترتیب که ترشح تستسترون در مردان ، باعث رشد اندام های تناسلی، تغییر شکل بدن، پهن شدن شانه ها و رشد قفسه سینه، تغییر در رویش مو در سر و بدن، رشد حنجره و تارهای صوتی و بم شدن صدا و افزایش میل جنسی و... است.

هورمون های استروژن و پروژسترون در زنان نیز علاوه بر ایجاد ویژگی های جنسی ثانوی، به طور متناوب ، باعث آمادگی رجم برای بارداری می شوند و دوره ماهانه جنسی را تنظیم می کنند. ویژگی های جنسی ثانویه ای که توسط استروژن ها در دوره بلوغ در دختران ایجاد می شوند، عبارت اند از: رشد سینه ها و لگن و رحم و ذخیره چربی در نواحی مختلف بدن و..

هر یک از نیم کره های مخ نیز در ایجاد تفاوت های جنسیتی ، نقش دارند. امروزه در اثر پیشرفت علم زیست شناسی، معلوم شده است که سلول های بعضی از بخش های هیپوتالاموس در زن، درشت تر از سلول های همان بخش ها در مرد است و وضع ارتباط موزونی این بخش در زن و مرد نیز متفاوت است. تحقیقات انجام شده ، نشان می دهند که برای ادراک کلام، مکانیسم (ساز و کار)های عصبی خاصی وجود دارند که در مغز دختران ، بیشتر از مغز پسران ، همسال آنها رشد می کند و تمایز نیم کره چپ برای کنش های کلامی در دختران ، سریع تر انجام می گیرد و در پسران ، این تمایز کمتر است.

همراه با رشد مغز، دو نیم کره آن، به صورت فزاینده ای از لحاظ توانایی های گوناگون، تخصصی تر می شوند: نیم کره چپ برای مهارت های کلامی و نیم کره راست برای توانایی های فضایی و هندسی. شواهد، حاکی از آن است که درجه جانبی شدن مغز و نیز سرعت رشد دو نیم کره مغز، در دختران و پسران، یکسان نیست (در میان دختران، نیم کره چپ، و در میان پسران، نیم کره راست، سریع تر رشد می کند). به نظر می رسد که در زنان (در مقایسه با مردان)، توانایی های کلامی و فضایی، بیشتر به میزان مساوی بین دو نیم کره مغز، توزیع شده باشد.

در مورد تفاوت های روان شناختی زن و مرد، در بین روان شناسان، نظر واحدی وجود ندارد و حتی برخی از آنان با تحقیقات جدید، به این نتیجه رسیده اند که بیشتر تفاوت های یاد شده در کتاب های روان شناسی، و حتی تفاوت های به ظاهر جافتاده و تثبیت شده، اساس علمی ندارند از جمله، **J. Hyde M. Oliver**، بر اساس پژوهش های فراوان در فراتحلیل از تفاوت های کلی جنسی، مهم ترین تفاوت بین زن و مرد را در «نگرش» و «رفتار» می دانند.

غریزه جنسی

یکی از ابعاد وجودی مهم در زن و مرد، جنبه جنسی و شهوانی است که به صورت غریزه ای بسیار قوی، در آنها قرار داده شده است. این غریزه باید ارضا گردد و اگر مسیر ارضای آن، به صورت صحیح طرأحی نشود، از مسیر طبیعی خلقت، منحرف خواهد شد و به ابعاد دیگر زندگی نیز آسیب خواهد زد. به همین دلیل، در گام نخست باید ویژگی های مؤثر مرد و زن در غریزه جنسی را به خوبی شناخت و در گام بعد، مهارت های لازم را برای برقراری ارتباط جنسی صحیح به دست آورد. در این جا برای آشنایی بیشتر، به صورت نسبتاً گذرا و در راستای هدف این پژوهش، ویژگی های مؤثر در تعاملات جنسی را بررسی می کنیم.

حواس و غریزه جنسی

حسّ بینایی: مردها عموماً به محرک های بینایی، حسّاسیت زیادی دارند و این حسّاسیت، در اعمال و رفتار روزانه آنها نیز به چشم می خورد، مثلاً می بینیم که بعضی از آنها به تهیه عکس های سکسی (جنسی) مبادرت می ورزند و «چشم چرانی» می کنند تا آن جا که به میل جنسی و تمّعات شهوانی مربوط است، بیشتر پسرها در سنین بلوغ و مردان به صورت مشهود به تأثیرات کیفی دیداری، بیشتر و بهتر از دختران و زنان پاسخ می دهند؛ یعنی از چشم چرانی، لذّت بیشتری می برند. البته این، بدین معنا نیست که دختران و زنان، از محرک های بینایی، متأثر نمی شوند؛ بلکه چه بسا در امور غیرجنسی، از مردان نیز قوی تر باشند. لذا گفته می شود که قلب زن، بیشتر از مرد، تابع گیرنده های گوش و چشم است. در امور جنسی و شهوانی نیز محرک های دیداری در دختران و زنان وجود دارد و از این روست که در قرآن، هر دو جنس، به صورت یکسان، از نگاه کردن به هر فرد نامحرمی از جنس مقابل، منع شده اند.

حسّ گویایی: زنان، زیادتر از مردان حرف می زنند و دوست دارند که کسی با آنان حرف بزند. این ویژگی، به صورت یک نیاز طبیعی، در آنان جلوه گر است. در تربیت جنسی و همچنین فراهم سازی زمینه زندگی مشترک، این نیاز باید مورد توجه قرارگیرد و تدبیری مناسب برای آن اتخاذ شود.

همچنین صدای زنان، به گونه ای است که اگر با ناز و عشوه همراه شود، باعث تحریک و انحراف جنسی در مردان می شود. در تربیت جنسی، آگاه سازی دختر از تأثیرات منفی این ویژگی و در نتیجه، پرهیز کردن از این گونه حرف زدن در برابر نامحرم، می تواند از انحراف پسر و به دام افتادن دختر، پیشگیری کند.

حسن بویایی: بوهای مورد توجه و لذت بخش برای هر دو جنس زن و مرد، با یکدیگر متفاوت است. هر یک از دختر و پسر، از بوهای مورد توجه جنس مخالف، متأثر می شوند و باید در روند تربیت جنسی، موارد استفاده، آموزش داده شود تا تحریکات نابه جا برای جنس مخالف ایجاد ننماید.

حسن لامسه: دختران، به محرک های لمسی، بیش از محرک های دیگر پاسخ می گویند، لذا آنان برخلاف پسران، از دیدن صحنه شهوت انگیز، زیاد تحریک نمی شوند؛ بلکه تحریک زیاد، در اثر لمس و تماس پوستی برای آنان به دست می آید؛ از این رو، در روند تربیت دختر و پسر، بر این نکته، بسیار تأکید شده که پسر، از صحنه های دیداری محرک شهوت، دور نگه داشته شود و به هیچ وجه، دختر و پسر، دست به هم ندهند و ارتباط بدنی با یکدیگر برقرار نسازند

عواطف و غریزه جنسی

در زمینه تفاوت های عاطفی و احساسی نیز می توان به این موارد، اشاره کرد: میزان شیوع خشم و پرخاشگری میان دخترها و پسرها، همسان نیست؛ بلکه پسرهای کودکان، غالباً بیش از دخترها به رویدادهای پرخاشگرانه، دامن می زنند (مک کوبی و ژاکین، ۱۹۸۰ م). همچنین در برخوردها و رفتارهای تهاجمی، به احتمال قوی، پسرها زودتر و سریع تر از دخترها به اعمال تلافی جویانه دست می زنند (داروین و چین ۱۹۸۱). زمانی که طرفین درگیر، پسرها باشند، احتمالاً پرخاشگری، زمان بیشتری به طول می انجامد، برخلاف زمانی که هر دو یا یکی از طرفین دعوا، دختر باشد. پرخاشگری میان کودکان همجنس نیز شیوع بیشتری را نشان می دهد. همچنین گرچه دختران، ترجیح می دهند که پرخاشگری خود را از طریق مشاجرات لفظی ظاهر سازند، اما در عین حال، پسرها بیشتر به بحث و مجادله می پردازند.

از دیگر تفاوت های عاطفی - احساسی زنان و مردان، می توان به مواردی اشاره کرد که خانم کلیودالسون (روان شناس) به آنها اشاره کرده است:

یک. تمام زن ها علاقه مندند که تحت نظر شخص دیگری کار کنند و به طور خلاصه، از مرئوس بودن و تحت نظر رئیس کار کردن، بیشتر خوششان می آید.

دو. تمام زن ها می خواهند احساس کنند که وجودشان مؤثر و مورد نیاز است.

ایشان در ادامه بحث، این طور اظهار نظر می کند:

«به عقیده من، این دو نیاز روحی زن، از این واقعیت سرچشمه می گیرد که خانم ها تابع احساسات و آقایان، تابع عقل اند. بسیار دیده شده که خانم ها از لحاظ هوش، نه فقط با مردها برابری می کنند، بلکه گاهی در این زمینه، از آنها برترند. نقطه ضعف خانم ها فقط احساسات شدید آنهاست. مردان، همیشه عملی تر فکر می کنند، بهتر قضاوت می کنند، سازمان دهنده بهتری هستند و بهتر هدایت می کنند. پس برتری روحی مردان بر زنان، چیزی است که طراح آن، طبیعت است.»

همچنین نوع دوستی، توجه به دیگران، صمیمیت و ارتباط های حمایتی، از ویژگی هایی هستند که زن ها و مردها در آنها تفاوت آشکاری با یکدیگر دارند. آلپورت و ورنون در سال ۱۹۳۱ م، پس از بررسی، به این نتیجه رسیدند که علایق زیباشناختی، اجتماعی و دینی زن ها بیشتر از مردهاست. مردها بیشتر به جنبه های سیاسی و نظری (تئوریک) علاقه دارند و زن ها بیشتر به مسائل اخلاقی تمایل نشان می دهند. زن ها با حرارت خاصی، به بی عدالتی اعتراض می کنند و نسبت به آداب و رسوم اجتماعی و ضوابط اخلاقی، تلقین پذیرترند.

پذیرش دیگران، ویژگی دیگری است که در جنس ماده نوع آدمی، دیده می شود. زن ها از هم جوار بودن و داشتن هم صحبت، بیشتر از مردها لذت می برند. دختر بچه های کودکانی، بیشترین وقت خود را با هم بازی ها صرف می کنند؛ در حالی که پسر بچه ها، خود را با وسایل متفاوت ورزشی و اسباب بازی، سرگرم می کنند. دختر بچه ها در هم نشینی با بچه های کوچک تر از خود، تمایل نشان می دهند و در جابه جایی اشیای سنگین و بستن دکمه لباس و بند کفش و... آنها را یاری می رسانند، در حالی که پسر بچه ها بیشتر به هم صحبتی با افراد بزرگ تر از خود، تمایل نشان می دهند.

بررسی های انجام گرفته در کودکان نشان می دهد که دخترها، به معاشرت با دیگران و ایجاد روابط اجتماعی، علاقه زیادی دارند؛ حال آن که پسرها بیشتر، خود را به فعالیت های بدنی (از جمله: بازی با چوب، دویدن و دنبال کردن یکدیگر یا هل دادن اسباب بازی ها و کشیدن آنها) مشغول می کنند. حس همکاری در دخترها به مراتب، بیشتر از پسرها است. دخترها بیش از پسرها، دو یا سه نفری، دور هم جمع می شوند و به فعالیت های دوجانبه یا مبادله اشیا و اسباب بازی ها اقدام می کنند. نکته قابل توجه در این باره این است که بیشتر علائق مطرح شده، مستقل از جامعه و فرهنگی است که کودکان، در آن بزرگ می شوند.

این ویژگی ها نیز باید در تربیت جنسی، مورد توجه قرار گیرند و بر اساس آنها تدابیر لازم در نظر گرفته شوند.

۲. مفهوم تربیت جنسی

تعریف های فراوانی برای تربیت جنسی، مطرح شده است از جمله: «فراهم آوردن زمینه رشد غریزه جنسی، به گونه ای که ضمن استفاده لازم از این غریزه، از انحرافات و لغزش های جنسی نیز پیشگیری شود». و یا طبق تعریف دیگری، «مقصود از تربیت جنسی، این است که کودک را به گونه ای پرورانیم که هنگامی که به سن بلوغ رسید، حلال و حرام را در مسائل جنسی تشخیص دهد و به وظایف زناشویی و همسری آگاه باشد و از لا ابالیگری بپرهیزد و راه و رسم عفت اسلامی، خلق و خوی او باشد و در وادی شهوت، سرگردان نشود».

بنا بر این، تربیت جنسی، از آغاز کودکی شروع می شود و تا سن جوانی و میان سالی، ادامه پیدا می کند.

حافظ ثابت، در تعریف تربیت جنسی می نویسد: «منظور ما از تربیت جنسی، این است که زمینه ها و عواملی که مربوط به مسائل جنسی است، طوری فراهم شود که استعداد های شخصی در جهت رسیدن به کمال اختیاری فرد، شکوفا شود و او را برای رسیدن به کمال مطلوب، یاری نماید».

تعریف های پیش گفته، از ابهام برخوردارند. به نظر می رسد که تربیت جنسی، عبارت است از این که «فرد در دوره های رشد کودکی، نوجوانی و جوانی، به گونه ای پرورده شود و آموزش ببیند که با جنسیت خود آشنا گردد و آن را بپذیرد؛ قدر دان وجود خویش باشد و به آن افتخار کند؛ نقش مذکر یا مؤنث بودن از لحاظ اجتماعی را یاد بگیرد؛ و احکام و آداب دینی در ارتباط با مسائل جنسی مربوط به خود و روابط با همجنس و جنس مخالف را فرا گیرد؛ آمادگی روانی برای ازدواج و تشکیل خانواده را پیدا کند؛ با مسائل مربوط به زندگی خانوادگی و روابط با همسر آشنا گردد و در سایه آن، به آرامش برسد؛ به گونه ای توانمند شود که عواطف و فعالیت های جنسی خویش را در جهت قرب الی الله و جلب خشنودی خداوند، به کار گیرد».

با توجه به این تعریف، تربیت جنسی، حوزه وسیعی را در بر می گیرد و شامل فعالیت های تربیتی ای است که از آغاز زندگی، مرحله به مرحله در جهت رشد متعادل و متناسب غریزه جنسی صورت می گیرد تا فرد، با وظایف و رفتارهای جنسی آشنا شود و

به اهداف تربیتی جنسی (از قبیل : مودت و رحمت و آرامش در زندگی و سلامت روان) برسد و نسل هم تداوم پیدا کند. به این ترتیب، گستره موضوع تربیت جنسی ، در برگیرنده مسائل ریز و درشتی است که به بعضی از آنها اشاره می شود :

۱ . نگرش والدین ، نسبت به جنسیت خود و فرزندانشان.

۲ . شیوه برخورد متناسب والدین ، با جنسیت فرزندانشان (طرز لباس پوشاندن به آنها و مسئولیت هایی که به آنها واگذار می شود ...).

۳ . پاسخ دادن به سؤالات جنسی کودکان ، در مورد تولید مثل، تفاوت های جنسی دختر و پسر و

۴ . رفتار والدین با یکدیگر.

۵ . نگرش والدین ، نسبت به ازدواج و جنس مخالف.

۶ . آموزش حیا و فضایل اخلاقی.

۷ . به هنجارها و نابه هنجاری های جنسی .

۸ . اهمّیت تقوا و پرهیز از بی بند و باری جنسی.

۹ . آگاه کردن فرزندان ، نسبت به بیماری های مقاربتی (مانند ایدز و...).

۱۰ . آموزش احکام شرعی ، در مورد مسائل جنسی دوران بلوغ و ازدواج.

۱۱ . آگاه کردن فرزندان از تغییرات هنگام بلوغ.

۱۲ . آماده کردن نوجوانان و جوانان برای ازدواج و آشنا کردن آنها به وظایف همسررداری و فرزندپروری.

۱۳ . آگاه کردن فرزندان ، به طبیعی بودن نیاز جنسی و تمایل جنسی به جنس مخالف.

و موارد بسیار دیگری که در این بستر قرار می گیرند.

۲ . آموزش جنسی

مسئله ای که لازم است به آن پرداخته شود، «آموزش جنسی» و تفاوت آن با «تربیت جنسی» و همچنین نقش آن در تربیت جنسی است.

آموزش جنسی در یک نگاه کلی ، یعنی : «آموزش در تمام جنبه های جنسی ، و تمایلات جنسی از جمله : جنبه های فیزیولوژیکی تولید مثل، عملکردی، هیجانی و بین فردی» و به طور خاص یعنی : «آموزش محدود به زمینه های فیزیولوژیکی سکس و تولید مثل» .

همچنین در تعریف آموزش جنسی ، گفته شده که عبارت است از : «ارائه هر نوع دانش و آگاهی علمی و نظری ، به شخصی که به خاطر جنسیت خاص متناسب با سن و به اقتضای مرحله های رشدی خود، جهت تأمین سلامت روانی، جسمی و اجتماعی و رفع نیاز جنسی و تعالی خویشتن و بقای نسل، بدان نیازمند است»

در تعریف دیگر ، آموزش جنسی، به مفهوم تربیت جنسی دانسته شده که شامل : آموزش رفتارها و مسائل توالد و تناسل، آماده سازی فرد برای فهمیدن و کنترل تحریکات و رفتارهای جنسی خود، آموزش اصول و مسائل فردی و گروهی مربوط به دو جنس مرد و زن است.

در تعریف نسبتاً کامل تری آمده است: «منظور از آموزش جنسی، ارائه اطلاعات کلی صحیح درباره وقایع و تغییرات جسمی و روانی بلوغ و راهنمایی نوجوانان در رفتار و کردار آنها در این سن، نسبت به خود و دیگران و شیوه ابراز علاقه و دوستی‌های معقول و جلوگیری از انحرافات است»

بر این اساس، آموزش جنسی، باید هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم و با هدف پرورش نسل سالم و جامعه صالح انجام شود. صلاح و فساد هر جامعه، بر اساس صلاح و فساد افراد و روابط آنها با یکدیگر و از جمله روابط جنسی، شکل می‌گیرد. اگر همه یا بیشتر افراد جامعه، سالم باشند و روابط آنها با یکدیگر، با ارزش‌ها و هنجارهای دینی، منطبق باشد، آن جامعه، جامعه‌ای سالم است. آموزش مسائل جنسی، به صورت صحیح و کامل در هر دوره و فراگیری ارزش‌ها و هنجارهای دینی و عملکردهای افراد در هر مقطع سنی، افراد را به سوی صلاح و پرهیز از فساد می‌کشد و سلامت روان را برای آنان به دنبال دارد و در نتیجه، نسل جامعه، سالم پرورش می‌یابد و جامعه، سالم می‌شود.

هدف اسلام، تربیت «انسان کامل» است و انسان کامل، جز در سایه ارضای متعادل نیازهای روحی و جسمی اش شکل نمی‌گیرد و آموزش در ارتباط با رشد جنسی و چگونگی تنظیم روابط و ایجاد تعادل روانی در این زمینه، نقش اساسی در سلامت روانی جامعه دارد. از این رو، دین، به آموزش در این خصوص می‌پردازد و در موارد ضروری، با صراحت، ولی بدون پرده‌داری، مسائل لازم را (چه در قرآن و چه در روایات) آموزش داده است. مثلاً در قرآن، از آموزش کودکان برای ورود به اتاق والدین گرفته تا افرادی که ازدواج با آنها جایز است و محدوده رفتار جنسی به هنجار و نابه هنجار، ذکر شده است. در روایات، حتی به ریز مسائل مربوط به رفتار جنسی، ساعات مناسب برای رابطه زناشویی، روابط کودکان با والدین، روابط کودکان با جنس مخالف و همجنس، شرایط ازدواج، ویژگی‌های یک همسر خوب و... پرداخته شده است.

البته بحث تربیت جنسی و آموزش جنسی و نحوه آن، بحث دقیق و ظریفی است که اگر به دقت و موشکافانه بررسی نشود، می‌تواند نتایج معکوسی به بار آورد. مثلاً در زمینه پاسخ دادن به سؤالات کودکان و نوجوانان، ما با دو مسئله متضاد روبه‌رو هستیم. از طرفی، عدم ارائه اطلاعات به کودکان، باعث می‌شود که آنها این اطلاعات را از منابع نامناسب به دست آورند و احتمالاً اطلاعات غلطی به دست آورند که به بهداشت روان آنها صدمه برساند. از طرف دیگر، ارائه این اطلاعات حتی به صورت کلی، ممکن است باعث تحریک جنسی آنها شود. این، مسئله‌ای است که تحقیقاتی گسترده، بدان نیازمند است.

در آموزش جنسی، انتخاب الفاظ و عبارات، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا این عبارات، در ذهن کودک نقش می‌بندد و تا سن بزرگسالی، بر رفتار جنسی و تمایل او به جنس مخالف تأثیر می‌گذارد. شاید سخت‌ترین قسمت آموزش جنسی، آموزش «حیای جنسی» و آموزش جنسی با رعایت موازین «حیا» باشد. حیا، مبنایی برای فضایل اخلاقی است و حتی در بعضی روایات، معادل با دینداری^۱ تلقی شده است؛ اما تاکنون، تعریف دقیقی از این صفت نیک اخلاقی، به عمل نیامده تا دقیقاً و عملاً بدانیم به چه معناست. برای آموزش جنسی به کودکان و نوجوانان نیز نمی‌دانیم از چه الفاظی باید استفاده شود تا با حیا، منافات نداشته باشد. مثلاً برای آموزش مفهوم محرم و نامحرم به دختران و پروراندن روحیه حیا و عدم تبرج در برابر نامحرم در آنان، از چه جملاتی باید استفاده کرد؟ آیا استفاده از جملاتی مثل: «تو دیگر بزرگ شده‌ای و زشت است که پیش مردها بروی»، صحیح است یا خیر؟ آیا به کار بردن چنین جملاتی، در دختر بچه‌ها، ترس از جنس مخالف را ایجاد نمی‌کند؟ آیا ایجاد ترس، باعث نفرت ناخودآگاه و در نتیجه، سردمزاجی آنها نمی‌شود؟

برای آموزش اهمیت پوشاندن بدن (بویژه آلت تناسلی) به کودکان، چه جملاتی را می توان به کار برد؟ آیا به کار بردن جملاتی مانند: «زشت است لخت باشی!» یا «اگر لخت باشی، تنبیه می شوی!» و... ، باعث ایجاد تصوّر ذهنی نادرست از بدن نمی شود؟ این گونه مسائل ، چگونه باید آموزش داده شوند؟ چه مسائلی در محدوده حیا قرار می گیرند و چه مسائلی قرار نمی گیرند؟ پاسخ به این گونه پرسش ها و سؤالاتی مانند آن - که ذهن والدین آگاه و مربیان دل سوز را به خود مشغول می کند - ، بخشی از آموزش جنسی است و بدون یافتن پاسخ این سؤالات، آموزش های دیگر ، معنا ندارند. در این پژوهش ، سعی می کنیم که ، برای این پرسش ها ، پاسخی منطبق بر آیات و روایات بیابیم.

فصل دوم: اهداف تربیت جنسی

در تعلیم و تربیت ، «هدف» ، به وضع سودمند و مطلوبی گفته می شود که لازم است برای تحقق آن، فعالیت های مناسب تربیتی انجام گیرد.

هدف های تربیت جنسی از دیدگاه اسلام ، به دو دسته هدف نهایی و اهداف واسطه ای تقسیم می شوند.

الف . هدف نهایی

هدف نهایی تربیت جنسی ، همان هدف نهایی تعلیم و تربیت دینی یعنی قرب الی الله و وصول به کمالات شایسته و رضوان الهی است. تربیت جنسی ، زیرمجموعه نظام تعلیم و تربیت است ، لذا همه مبانی، اصول، روش ها و فعالیت های مربوط به جنسیت زن و مرد ، باید در راستای وضع مطلوبی باشند که همان خشنودی خداوند است. هر فرد ، با قرار گرفتن در مسیر این هدف و با پرورش و تربیت بهینه استعدادها و جهت دادن به امکانات، خواسته ها و فعالیت هایش ، درصدد به دست آوردن درجات و مراتبی از آن هدف بر می آید و آن کس که بتواند بین انگیزه ها، باورها و فعالیت های خود با آن اهداف، بیشترین هماهنگی را ایجاد نماید و در درجات مسابقه «قرب الهی»، از همه ، پیشی گیرد، مراتب بیشتری از آن قرب و رضوان الهی را به دست می آورد.

ب . اهداف واسطه ای

منظور از هدف های واسطه ای، وضعیت های مطلوبی هستند که واسطه و زمینه ساز نیل به هدف نهایی اند. این هدف ها خود دو دسته اند: هدف های کلی و هدف های رفتاری . اهداف رفتاری ، خود ، زمینه تحقق و دستیابی هدف های کلی را فراهم و تسهیل می نمایند.

ما در این فصل ، صرفاً به «اهداف کلی» تربیت جنسی می پردازیم و چون اهداف رفتاری، جزو عملکردها و روش ها هستند ، در بخش دوم ، طی فصولی به آنها خواهیم پرداخت.

اهداف کلی تربیت جنسی

۱ . فراهم کردن بستر مناسب برای رشد سالم جنسی

نخستین هدف تربیت جنسی - که از دوران کودکی یا بهتر بگوییم پیش از تولد آغاز می شود - ، این است که رشد جنسی کودکان ، به طور طبیعی و سالم پیش برود و از بروز ناهنجاری ، بلوغ زودرس و ابتلا به انواع انحرافات جنسی ، پیشگیری شود ؛ بلکه کودک ، در محیطی آرام و بدون فشار جنسی و التهاب غریزی ، رشد کند و در سنین نوجوانی بتواند بدون تحمّل استرس ها ، با

ظهور امیال جنسی خود - که بروز آنها در این مرحله رشدی، طبیعی و به هنجار است -، به شکلی مطلوب مقابله کند و در سن جوانی، به حدی از رشد برسد که بتواند همسری مناسب و پدر یا مادری شایسته برای فرزندانش باشد. البته بسترسازی مناسب، در هر کدام از مراحل زندگی، شیوه های خاص خود را دارد که در بحث شیوه های تربیت جنسی، به تفصیل، در مورد آنها بحث خواهد شد.

۲. شناخت و انتظار درست از هویت جنسی خود

از جمله اهداف تربیت جنسی، پیدا کردن شناخت درست از «هویت جنسی» خویش است. تربیت، باعث می شود که فرد، شناخت و انتظار درستی از هویت جنسی خود پیدا کند که مطابق با توانایی های جنسیتی اش باشد. اگر این هدف، در مرحله کودکی و نوجوانی برآورده شود، چنین فردی در دوره جوانی و بزرگ سالی، به خوبی، وظایف خود را مناسب با جنسیتش برآورده می سازد، از تمایلات انحرافی، به دور می ماند و غرایز طبیعی اش به روشی سالم، ارضا خواهند شد.

۳. ارضای صحیح و به هنجار غریزه جنسی

از جمله اهداف مهم تربیت جنسی، این است که زن و مرد بتوانند نیاز جنسی خود را - که یک نیاز طبیعی است -، به شیوه صحیح و به هنجار ارضا کنند. در دین اسلام (برخلاف برخی از ادیان)، میل جنسی و لزوم ارضای آن، نه تنها پست و رذالت آمیز معرفی نشده، بلکه امری پسندیده و مطلوب است؛ اما به شرطی که در چارچوب ازدواج زن و مرد (چه به صورت دائم و چه موقت) انجام شود و از شیوه های نابه هنجار ارضای این نیاز، پرهیز گردد.

اریک فروم (روان شناس معاصر) می نویسد:

کشش دو قطب مذکر و مؤنث، همچنین پایه آفرینندگی ناشی از فعل و انفعال متقابل است. این نظر زیست شناسی، طبیعتاً به این معناست که وحدت اسپرم و اوول، اساس تولد کودک است. وضع در دنیای روانی مطلق نیز همین گونه است: زن و مرد در عشق یکدیگر، از نو زاده می شوند. کسانی که به انحرافات همجنس گرایی گرفتارند، در رسیدن به این وصل دو قطبی، شکست می خورند و به ناچار باید همیشه، رنج جدایی را تحمل کنند؛ درست مانند آن دسته از افراد معمولی ای که از مهر ورزیدن عاجزند.

از دیدگاه اسلامی، علاوه بر این که ارضای نیاز جنسی، منحصرأ از راه پیوند میان زن و مرد مورد تأیید است، باید این پیوند، در قالب ازدواج و همراه با ضوابط مشخصی باشد. دلیل این مطلب، آن است که نیاز جنسی در انسان، صرفاً تنشی غریزی - که هدف آن فقط ارضای نیاز باشد - نیست؛ بلکه نیازی پیچیده و مرکب از نیازهای دیگر است که جز در قالب یک پیوند شناختی، عاطفی و معنوی که تعهدآور و مسئولیت ساز باشد، به نحو مطلوب ارضا نمی شود. بنا بر این، ممکن است مردی در نزدیکی با یک زن روسپی، التهاب جنسی خود را فرو بنشانند؛ اما با این کار، نه تنها نیاز خود را به دوست داشتن و دوست داشته شدن و انس و آرامش و معنویت و پاکی، ارضا نکرده، بلکه بر کمبودهای خود نیز دامن زده است.

بنا بر این، به طور خلاصه می توان گفت که مهم ترین هدف تربیت جنسی - که از زمان کودکی آغاز می شود -، این است که: زن و مردی را تربیت کنیم که بتوانند با غرایز جنسی خود، به شیوه ای صحیح و مطلوب برخورد کنند؛ نه آن را سرکوب سازند و نه به بی بند و باری و انحراف و فحشا کشیده شوند و در نهایت، زن و مرد بتوانند به یاری هم، کانونی فراهم سازند که هم

سلامت

روانی خودشان را به دست آورند و هم در مناسبات اجتماعی، سلامت جامعه تأمین شود.

۴ . پیشگیری از انحرافات جنسی و ایجاد زمینه پاک دامنی در جامعه

از دیگر اهداف مهم تربیت جنسی از دیدگاه اسلام، حفظ افراد جامعه از انحراف و فساد و تباهی است که برای رسیدن به این مهم ، اهداف دیگر تربیت جنسی ، به نحوی سهیم هستند. جمله معروف «پیشگیری ، بهتر از درمان است» ، اگرچه معمولاً در مورد بیماری های جسمی گفته می شود، ولی در امور روانی نیز جریان دارد و شاید در امور جنسی ، بیشترین تأثیر را داشته باشد ؛ زیرا درمان افراد مبتلا به انحراف جنسی و برگرداندن آنها به حالت طبیعی، کاری بسیار دشوار است ؛ چون برگرداندن هر معتادی از عادتش مشکل است .

امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید:

رَدُّ الْمُعْتَادِ عَنِ عَادَتِهِ كَالْمُعْجِزِ . برگرداندن معتاد از عادتش ، مانند معجزه است.

اعتیاد به انحرافات جنسی ، به علت نیرومندی غریزه جنسی ، از شدت بیشتری برخوردار است ، به همین دلیل ، حتی از دیدگاه برخی روان شناسان که «استمنا» را انحراف نمی دانند ، اما عادت به آن، به گونه ای که فرد نتواند آن را ترک کند و زندگی جنسی به هنجاری داشته باشد، بیماری محسوب می شود .

۵ . آماده سازی دختر و پسر برای زندگی سالم خانوادگی

آموزش مسائل مختلف مربوط به غریزه جنسی و مسائل خانوادگی ، زمینه ازدواج سالم همراه پیوند عمیق زوجین را فراهم می نماید. جوانی که قصد ازدواج دارد ، باید بداند که چگونه محبت خود را ابراز کند و چگونه تمایل طرف مقابل را به خود جلب کند و در مواقع سخت و پیچیده ، چگونه عمل کند . همچنین باید بداند چه مسائلی سلامت زندگی خانوادگی را تضمین می کند و چه مسائلی ، آن را متزلزل می سازد.

از طرف دیگر ، تربیت جنسی صحیح، از انحرافات جنسی زوجین و تزلزل پیوند خانوادگی ، جلوگیری می کند و وقتی که زوجین قبل از ازدواج ، از ارتکاب محرّمات خودداری کنند، مسلماً اعتماد و اطمینان آنان به یکدیگر ، بیشتر خواهد شد و همین امر، عامل مهمی در سلامت زندگی مقدّس خانوادگی خواهد بود . به عبارت دیگر، آموزش ویژگی های روانی - عاطفی جنس مخالف به دختر و پسر، آشنا کردن آنها با اصول ازدواج سالم و نشانگان ازدواج های غیرسالم، پرورش مهارت های برقراری رابطه صحیح زن و مرد پس از ازدواج، آنها را برای زندگی سالم جنسی همراه با آرامش روان، پاک دامنی و پرهیز از انحرافات جنسی، آماده می سازد.